



آزمون یار

علوم سیاسی

- درسنامه جامع ویژه آزمون کارشناسی ارشد و دکتری
- همراه با سوالات طبقه‌بندی شده
- براساس آخرین سرفصلهای مصوب ۱۴۰۵
- به انضمام خلاصه دروس و نکات طلایی و کاربردی
- شامل ۲۰۰۰ نکته مهم و کلیدی از مباحث آزمون

علی صفیاریپور و گروه مؤلفین انتشارات اندیشه ارشد

انتشارات
اندیشه ارشد

دفتر اول: مبانی علم سیاست

فصل اول: علم سیاست.....	۱۳
خلاصه فصل.....	۱۷
تست های تالیفی.....	۱۸
پاسخ تست های تالیفی.....	۱۹
فصل دوم: روش های علم سیاست.....	۲۰
خلاصه فصل.....	۲۶
تست های تالیفی.....	۲۷
پاسخ تست های تالیفی.....	۲۸
فصل سوم: علم سیاست مرزها و رشته های همپيوند.....	۲۹
خلاصه فصل.....	۳۴
تست های تالیفی.....	۳۵
پاسخ تست های تالیفی.....	۳۵
فصل چهارم: مفاهيم و موضوعات اساسی در دانش سیاسی.....	۳۶
خلاصه فصل.....	۵۳
تست های آخر فصل.....	۵۵
پاسخ تست های آخر فصل.....	۵۸
تست های تالیفی.....	۵۹
پاسخ تست های تالیفی.....	۶۱
فصل پنجم: نظریه خاستگاه دولت.....	۶۲
خلاصه فصل.....	۷۵
تست های آخر فصل.....	۷۷
پاسخ تست های آخر فصل.....	۷۷
تست های تالیفی.....	۷۸
پاسخ تست های تالیفی.....	۸۰
فصل ششم: حاکمیت.....	۸۱
خلاصه فصل.....	۸۶
تست های آخر فصل.....	۸۷
پاسخ تست های آخر فصل.....	۸۷
پاسخ تست های تالیفی.....	۸۸
فصل هفتم: طبقه بندی حکومت ها.....	۸۹
تست های آخر فصل.....	۹۶

۹۶	پاسخ تست های آخر فصل.....
۹۷	تست های تالیفی.....
۹۸	پاسخ تست های تالیفی.....
۹۹	فصل هشتم: دموکراسی.....
۱۰۶	خلاصه فصل.....
۱۰۷	تست های آخر فصل.....
۱۰۷	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۰۸	تست های تالیفی.....
۱۰۹	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۱۰	فصل نهم: حکومت های پارلمانی و ریاستی.....
۱۱۵	خلاصه فصل.....
۱۱۶	تست های آخر فصل.....
۱۱۶	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۱۷	تست های تالیفی.....
۱۱۸	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۱۹	فصل دهم: حکومت های تک ساخت و فدرال.....
۱۲۱	خلاصه فصل.....
۱۲۳	تست های آخر فصل.....
۱۲۳	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۲۴	تست های تالیفی.....
۱۲۴	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۲۵	فصل یازدهم: احزاب سیاسی و گروه های فشار.....
۱۳۰	خلاصه فصل.....
۱۳۲	تست های آخر فصل.....
۱۳۳	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۳۴	تست های تالیفی.....
۱۳۵	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۳۶	فصل دوازدهم: دولت ها و نظام های سیاسی.....
۱۳۶	خلاصه فصل.....
۱۴۳	تست های آخر فصل.....
۱۴۳	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۴۴	تست های تالیفی.....

۱۴۴.....	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۴۵.....	فصل سیزدهم: مکاتب و ایدئولوژی های سیاسی.....
۱۵۱.....	خلاصه فصل.....
۱۵۲.....	تست های آخر فصل.....
۱۵۲.....	پاسخ تست های آخر فصل.....
۱۵۳.....	تست های تالیفی.....
۱۵۳.....	پاسخ تست های تالیفی.....
۱۵۴.....	فصل چهاردهم: نگرش ها و روش ها در دانش.....
۱۵۸.....	تست های تالیفی.....
۱۵۸.....	پاسخ تست های تالیفی.....

دفتر دوم: جامعه شناسی سیاسی

۱۶۱.....	فصل اول: کلیات.....
۲۱۶.....	خلاصه فصل.....
۲۱۸.....	تست های آخر فصل.....
۲۲۲.....	پاسخ تست های آخر فصل.....
۲۲۳.....	فصل دوم: الگوهای عمده در مطالعه جامعه شناسی سیاسی.....
۲۳۸.....	خلاصه فصل.....
۲۴۰.....	تست های آخر فصل.....
۲۴۳.....	پاسخ تست های آخر فصل.....
۲۴۴.....	فصل سوم: نیروها و بازیگران مهم در عرصه جامعه شناسی سیاسی.....
۲۷۱.....	خلاصه فصل.....
۲۷۸.....	تست های آخر فصل.....
۲۸۱.....	پاسخ تست های آخر فصل.....
۲۸۲.....	فصل چهارم: رفتار سیاسی.....
۲۸۹.....	خلاصه فصل.....
۲۹۰.....	تست های آخر فصل.....
۲۹۲.....	پاسخ تست های آخر فصل.....
۲۹۳.....	فصل پنجم: تحول جامعه.....
۳۰۴.....	خلاصه فصل.....
۳۰۵.....	تست های آخر فصل.....
۳۰۷.....	پاسخ تست های آخر فصل.....

فصل ششم: تحولات جدید و جامعه‌شناسی سیاسی	۳۰۸
خلاصه فصل	۳۱۶
پاسخ تست های آخر فصل	۳۱۷
پاسخ تست های آخر فصل	۳۱۹

دفتر سوم: اندیشه های سیاسی غرب و اسلام

فصل اول: تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه	۳۲۱
اندیشه‌های سیاسی (غرب و اسلام)	۳۲۱
تست های آخر بخش	۳۲۶
پاسخ تست های آخر بخش	۳۲۶
۱-۶ اندیشه‌های سیاسی دوره یونانگیری	۳۳۴
تست های آخر بخش	۳۳۷
پاسخ تست های آخر بخش	۳۳۷
۱-۷ اندیشه سیاسی روم	۳۳۸
تست های آخر فصل	۳۴۱
پاسخ تست های آخر فصل	۳۴۱
۱-۸ اندیشه‌ی سیاسی آباء نخستین	۳۴۲
تست های آخر بخش	۳۴۵
پاسخ تست های آخر بخش	۳۴۵
۱-۹ سده‌های میانه	۳۴۶
تست های آخر فصل	۳۴۹
پاسخ تست های آخر فصل	۳۴۹
خلاصه فصل	۳۵۰
تست های آخر بخش	۳۵۴
پاسخ تست های آخر فصل	۳۵۴
۲-۱ نیکولو ماکیاویلی	۳۵۶
۲-۲ توماس مور	۳۵۸
تست های آخر بخش	۳۶۰
پاسخ تست های آخر بخش	۳۶۰
بخش سوم ژان بدن	۳۶۶
تست های آخر بخش	۳۷۰
پاسخ تست های آخر بخش	۳۷۰

۳۷۱	بخش چهارم
۳۷۷	تست های آخر بخش
۳۷۷	پاسخ تست های آخر بخش
۳۷۸	بخش پنجم
۳۷۹	ادموند برک
۳۸۱	تست های آخر فصل
۳۸۱	پاسخ تست های آخر فصل
۳۸۲	بخش ششم
۳۸۲	۱۸-۲ جرمی بنتام
۳۸۲	۱۹-۲ جان استوارت میل
۳۸۳	تست های آخر بخش
۳۸۳	پاسخ تست های آخر بخش
۳۸۴	۲۰-۲ کانت
۳۸۵	۲۱-۲ فریدریش هگل
۳۸۷	تست های آخر بخش
۳۸۷	پاسخ تست های آخر بخش
۳۸۹	تست های آخر بخش
۳۸۹	پاسخ تست های آخر بخش
۳۹۰	خلاصه فصل
۳۹۲	نکات کلیدی و اصطلاحات مهم
۳۹۴	تست های آخر فصل
۳۹۴	پاسخ تست های آخر فصل
۳۹۵	اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران
۳۹۶	۱-۳ خلافت
۳۹۹	تست های آخر بخش
۳۹۹	پاسخ تست های آخر بخش
۴۰۰	بخش دوم
۴۰۰	۲-۳ امامت: نظام سیاسی تشیع
۴۰۳	تست های آخر بخش
۴۰۳	پاسخ تست های آخر بخش
۴۰۴	بخش سوم
۴۰۵	تست های آخر بخش

۴۰۵.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۰۶.....	بخش چهارم.....
۴۰۸.....	تست های آخر بخش.....
۴۰۸.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۰۹.....	بخش پنجم.....
۴۱۱.....	تست های آخر بخش.....
۴۱۱.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۱۲.....	بخش ششم.....
۴۱۳.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۱۳.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۱۴.....	بخش هفتم.....
۴۱۶.....	تست های آخر بخش.....
۴۱۶.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۱۷.....	بخش هشتم.....
۴۱۸.....	تست های آخر بخش.....
۴۱۸.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۱۹.....	بخش نهم.....
۴۲۰.....	تست های آخر بخش.....
۴۲۰.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۲۱.....	بخش دهم.....
۴۲۲.....	تست های آخر بخش.....
۴۲۲.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۲۳.....	بخش یازدهم.....
۴۳۰.....	تست های آخر بخش.....
۴۳۰.....	پاسخ تست های آخر بخش.....
۴۳۱.....	فصل چهارم.....
۴۳۱.....	نظام سیاسی و دولت در اسلام.....
۴۴۶.....	اندیشه های سیاسی در قرن بیستم.....
۴۴۷.....	بخش اول.....
۴۴۷.....	آناشیسیم.....
۴۴۹.....	تست های آخر بخش.....
۴۴۹.....	پاسخ تست های آخر بخش.....

۴۵۰	بخش دوم لیبرالیسم
۴۵۳	تست های آخر بخش
۴۵۳	پاسخ تست های آخر بخش
۴۵۴	بخش سوم کثرت گرایی
۴۵۸	تست های آخر بخش
۴۵۹	پاسخ تست های آخر بخش
۴۶۰	بخش چهارم دموکراسی
۴۶۳	تست های آخر بخش
۴۶۳	پاسخ تست های آخر بخش
۴۶۴	بخش پنجم محافظه گرایی
۴۶۸	تست های آخر بخش
۴۶۸	پاسخ تست های آخر بخش
۴۸۳	پاسخ تست های آخر بخش
۴۸۷	بخش نهم
۴۸۷	پست مدرنیسم
۴۸۹	فمینیسم
۴۹۰	متفکران چند رگه
۴۹۲	پوپر
۴۹۴	خلاصه فصل
۴۹۸	تست های آخر بخش
۴۹۸	پاسخ تست های آخر بخش
۴۹۹	تست های تالیفی
۴۹۹	پاسخ تست های تالیفی

دفتر چهارم: تحولات سیاسی ایران

۵۰۲	فصل اول: عصر مشروطیت
۵۲۲	تست های آخر فصل
۵۲۴	پاسخ تست های آخر فصل
۵۲۵	تست های تالیفی
۵۲۸	پاسخ تست های تالیفی
۵۳۰	عصر رضاشاه
۵۴۳	تست های آخر فصل

۵۴۵	 پاسخ تست های آخر فصل
۵۴۶	 تست های تالیفی
۵۴۹	 پاسخ تست های تالیفی
۵۵۱	 عصر محمد رضا شاه
۵۹۹	 تست های آخر فصل
۶۰۱	 تست های آخر فصل
۶۰۲	 تست های تالیفی
۶۰۵	 پاسخ تست های تالیفی
۶۰۶	 عصر انقلاب اسلامی
۶۶۰	 تست های آخر فصل
۶۶۳	 پاسخ تست های آخر فصل
۶۶۴	 تست های تالیفی
۶۶۶	 پاسخ تست های تالیفی

دفتر پنجم: جهان سوم و مسائل آن

۶۶۷	 فصل اول: بررسی مفهوم جهان سوم
۶۷۷	 تست های آخر فصل
۶۷۸	 پاسخ تست های آخر فصل
۶۷۹	 تست های تالیفی
۶۸۷	 پاسخ تست های تالیفی
۶۸۹	 فصل دوم: مباحث نظری درباره دولت و سیاست در جهان سوم
۷۰۴	 تست های تالیفی
۷۰۹	 پاسخ تست های تالیفی
۷۱۰	 تست های آخر فصل
۷۱۴	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۱۵	 فصل سوم نظامها و نهادهای سیاسی در جهان سوم
۷۱۹	 تست های تالیفی
۷۲۳	 پاسخ تست های تالیفی
۷۲۴	 تست های آخر فصل
۷۲۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۲۷	 فصل چهارم نظریه انسجام درونی
۷۳۸	 پاسخ تست های آخر فصل

۷۴۲	 تست های تالیفی
۷۴۳	 تست های آخر فصل
۷۴۷	 پاسخ تست های آخر فصل

دفتر ششم: نظام‌های سیاسی تطبیقی

۷۴۹	 فصل اول: طبقه‌بندی کشورها
۷۵۵	 خلاصه فصل
۷۵۶	 تست های آخر فصل
۷۵۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۵۷	 فصل دوم: رهیافت ساختاری عملکردی؛ بررسی نظام سیاسی
۷۶۰	 خلاصه فصل
۷۶۱	 تست های آخر فصل
۷۶۲	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۶۳	 فصل سوم: تجزیه و تحلیل تطبیقی نظام‌های سیاسی
۷۶۷	 خلاصه فصل
۷۶۸	 تست های آخر فصل
۷۶۹	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۷۰	 فصل چهارم: برداشتهایی جدید از سیاستهای مقایسه‌ای
۷۷۳	 خلاصه فصل
۷۷۴	 تست های آخر فصل
۷۷۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۷۷	 فصل پنجم: روش مقایسه‌ای و ساختار الگو
۷۷۹	 خلاصه فصل
۷۸۰	 تست های آخر فصل
۷۸۱	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۸۲	 فصل ششم: الگو به عنوان چهارچوبی مشترک در مطالعه
۷۸۵	 خلاصه فصل
۷۸۶	 تست های آخر فصل
۷۸۸	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۸۹	 فصل هفتم: بهره‌گیری از تحلیل سیستمی در سیاستهای مقایسه‌ای
۷۹۲	 خلاصه فصل
۷۹۳	 تست های آخر فصل

۷۹۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۷۹۷	 فصل هشتم: بررسی سیاستهای مقایسه‌ای بر اساس تحلیل کارکردی
۸۰۲	 خلاصه فصل
۸۰۳	 تست های آخر فصل
۸۰۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۰۷	 فصل نهم فرهنگ سیاسی: پیوند میان تحلیل خرد و کلان
۸۱۰	 خلاصه فصل
۸۱۱	 تست های آخر فصل
۸۱۴	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۱۵	 فصل دهم: مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای در چهارچوب
۸۲۳	 خلاصه فصل
۸۲۴	 تست های آخر فصل
۸۲۹	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۳۰	 فصل یازدهم طبقه‌بندی نظامهای سیاسی
۸۳۶	 خلاصه فصل
۸۳۷	 تست های آخر فصل
۸۴۱	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۴۳	 فصل دوازدهم: شاخصهای عمده بررسی در مطالعه سیاستهای مقایسه‌ای
۸۵۲	 خلاصه فصل
۸۵۳	 تست های آخر فصل
۸۵۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۵۷	 فصل سیزدهم سیاست شناسی مقایسه‌ای
۸۷۲	 خلاصه فصل
۸۷۳	 تست های آخر فصل
۸۷۶	 پاسخ تست های آخر فصل
۸۷۸	 فصل چهاردهم ساختارهای حکومت، وضع و اجرای قوانین
۸۸۶	 خلاصه فصل
۸۸۷	 تست های آخر فصل
۸۹۰	 پاسخ تست های آخر فصل

دفتر اول

مبانی علم سیاست

فصل اول:

تعریف، محتوا، سرشت و ماهیت دانش سیاسی

۱- تعریف علم سیاست

تفکر سیاسی در عهد باستان و در غرب از یونان آغاز شد. اما علم سیاست به عنوان یک رشته آموزشی قدمتی دیرینه ندارد و تا حدی نو است. همزمان با پیدایش دموکراسی نو و ناسیونالیسم انحصار علم سیاست به پایان می‌رسد و مردم که تا آن زمان نقشی در امور عمومی نداشتند، در کنار سیاستمداران، فیلسوفان و شهریاران قرار می‌گیرند و همزمان با گسترش آموزش و پرورش و رشد فزاینده آگاهی سیاسی، در جریانات سیاسی حضوری فعال می‌یابند. «دانشواژه» سیاست (politics) از واژه‌ی یونانی «پولیس» (Polis=شهر) برگرفته شده است. افکار عمومی اهمیت زیادی یافت و بنابراین تنها حکومت‌ها بلکه گروه‌های سازمان یافته را احزاب سیاسی کوشش‌های زیادی کردند تا به آن تأثیر بگذارند. اجتماعات و معاهدات گسترده مشخصه‌ی جریان‌های سیاسی شد. امروزه گفته می‌شود که همه‌ی اقتدار سیاسی به مردم تعلق دارد و قدرت سیاسی هم باید در راستای منافع توده‌ها عمل کند. در بررسی سیاست‌ها و در مطالعه‌ی علم سیاست دشواری بزرگی وجود دارد. همان طور که یلنیک به روشی گفته است هیچ علمی به اندازه علم سیاست نیست نیازمند دانش واژه‌های دقیق نیست. کاتلین نظر داده است که در بحث‌های سیاسی علم سیاست به ندرت واژه‌هایی وجود دارد که مبهم نباشد معلم سیاست تاحدی این نقش را از ادبیات با سابقه و کهن خود به ارث برده است. اما بیشتر مربوط به آن است که علم مورد بررسی‌ها علمی زنده و در حال رشد است.

از نظر یونانی‌ها سیاست دانشی مربوط به امور یک شهر بود اما در یونان دولت و شهر از هم جدا نبودند.

سی لی سیاست را علم شهرها نامیده است. همچنین پرلیکس یونانی در یک مرثیه گفته است: آدمی که به کار سیاست نپردازد شایسته صفت شهروند بی‌آزار نیست، بلکه باید او را شهروندی بی‌خاصیت بدانیم.

در همین جا اشاره شود که سیاست با علم سیاست تفاوت دارد. سیاست در مفهوم کلی در زندگی اجتماعی وجود دارد اما علم سیاست را باید مانند هر علمی آموخت. علم سیاست جنبه‌های علمی و نظری سیاست را در بر می‌گیرد. به عبارتی جنبه نظری سیاست را با «علم سیاست» و جنبه علمی آن را با همان واژه «سیاست» بیان کرده‌اند. دانشمندان سیاسی برجسته از سراسر جهان در سپتامبر ۱۹۴۸ در کنفرانس یونسکو «علم سیاست» را به جای «علوم سیاسی» و برای نامیدن این رشته علمی پذیرفتند. اما دانشمندانی مانند ارسطو، یلنیک، هنری سجویک اصصلاح «سیاست» را بر «علم سیاست» ترجیح داده اند. علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی نظر دارد. مرکز ثقل تحلیل و بررسی «علم سیاست» دولت / state است. بعضی علم سیاست را مرتبط با «حکومت / government» و بعضی متفکران تلفیقی از این دو مورد را می‌پذیرند مانند پل ژانت متفکر فرانسوی که می‌گوید علم سیاست آن بخشی از علوم اجتماعی است که درباره بنیادهای دولت و

اصول حکومت بحث و بررسی می‌کند.

در نظر سنتی، اغلب گفته شده است که بررسی دولت در برگیرنده‌ی حکومت هم است زیرا دولت بنا به مقاصد عملی از راه ارگان‌های حکومت عمل می‌کند. هارولد لاسکی گفته است: «... بنا به مقاصد اداره‌ی علمی کارها، دولت همان حکومت است.» مفهوم سنتی علم سیاست به عنوان علم بررسی دولت یا حکومت دیگر مناسب دانسته نمی‌شود. این مفهوم بر شکل تأکید می‌کند و به قانون‌گذاری یا دقت ظاهری بیش از حد در اجرای قوانین می‌انجامد. یکسان شمردن علم سیاست با مطالعه‌ی دولت نو هم مورد اعتراض قرار گرفته است. واژه‌ی دولت تا پیش از سده‌ی پانزدهم کاربرد سیاسی نداشت، و وقتی چنین کاربردی یافت به صفت نو موصوف شده محققان و متفکرانی مانند لاسول، مریام، و برومورگنتا که بر سرنوشت پویای سیاست تأکید کرده‌اند، معتقدند که قدرت، مفهوم اساسی سیاست است و همه‌ی شاخه‌های علم سیاست را به هم می‌پیوندد، برای مثال لاسول در تعریف علم سیاست گفته است: «علم سیاست به صورت یک نظام تجربی عبارت از مطالعه‌ی چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهمیم شدن در آن است.» «عمل سیاسی عملی است که براساس قدرت انجام گیرد. پایان سیاست رسیدن به یک خط مشی است سازش میان منافع متضاد برحسب منافع و ارزش‌های معینی که مشترک هستند» «دیویدا یستون» معتقد است که سیاست به «توزیع آمرانه ارزشها برای جامعه» مربوط است. بعضی دانشوران به عنصر «قدرت» به عنوان مرکز ثقل سیاست یاد می‌کنند و معتقدند که همه کشاکشها در زندگی سیاسی به قدرت مربوط است. «نولی» تعریفهایی چند از سیاست را بدین شرح آورده است:

۱- سیاست «هنر استفاده از امکانات است»

۲- سیاست «حکومت کردن بر انسانهاست» (= تعریف کایتانو موسکا در «طبقه حاکم» و آستین را نی در «حکومت بر انسانها»).

۳- سیاست «مبارزه برای قدرت است»

۴- سیاست یعنی دانستن اینکه: چه کسی، چه چیزی، چه موقع، چگونه و چرا می‌برد؟ (= تعریف‌ها رولد لاسکی از سیاست).

۵- سیاست «توزیع آمرانه ارزشهاست» (که به ایستون تعلق دارد و انتزاعی ترین مفهوم سیاست است).

و سرانجام تعریف نولی که سیاست را اینگونه تعریف می‌کند: «همه آن فعالیتهایی که مستقیم یا غیرمستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است».

سیاست حساس‌ترین حوزه فعالیت انسان در جامعه است و سخت تحت تأثیر فرهنگ، اندیشه‌ی مردم، منافع و نظریات گروهی و شخصی و عوامل اقتصادی هر جامعه قرار دارد.

عرصه علم سیاست

مرزهای دقیق و مشخص علم سیاست را نمی‌توان به آسانی معین کرد. اما آنچه که مشخص است این

است که علم سیاست «پویا»ست و سرشت، پایه‌ها، روندها، عرصه‌ها و نتایج اقتدار و قدرت در جامعه را بررسی می‌کند قدرت در این معنی را نباید نیروی اجبارگر تلقی کرد، پایه‌ی اخلاقی قدرت و نفوذ اندیشه‌ها بر انسان به طور عمده در فلسفه و روان‌شناسی سیاست نمودار می‌شود و نیز رفتار سیاسی (یعنی قدرت جویی) گروه‌ها، سازمانها و نهادهای کم و بیش جدا از دولت را که می‌کوشند بر سیاست عمومی و راستای دگرگونیهای اجتماعی تأثیر گذارند مورد بررسی قرار می‌دهد و این بررسی به هیچ دوره ویژه تاریخی و نیز هیچ حوزه معین جامعه بشری محدود نیست. «علم سیاست، توضیح حال است» بررسی تجربی پدیده‌ها و روندهای سیاسی موجود بخشی مهم از وظیفه علم سیاست است. این بررسی به مفاهیم سیاسی رایج و نیز به گروه‌ها و سازمانهای جویای قدرت و نفوذ در جامعه توجه دارد. علم سیاست بویژه مفهوم دولت، ریشه‌ها، ویژگی‌ها و شکلها و ساختار آن، روندها و کارکرد آن، هدفها و کار ویژه‌های آن، روابط با اتباع و شهروندان و گروه‌های گوناگون و نیز روابط آن با دیگر دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی را مطالعه می‌کند.

رشد حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، بعد تازه‌ای به بررسی‌های علم سیاست افزوده است و در یک معنا آن را علم الاجتماع سیاسی جهانی کرده است.

«علم سیاست، فهم گذشته»: بررسی قدرت و اقتدار و نفوذ در گذشته به فهم و شناخت نهادها و اندیشه‌ها و روندهای امروزی بسیار کمک می‌کند. علم سیاست متضمن بررسی جریانهای گوناگون اندیشه سیاسی و نیز فهم و شناخت نقش گروه‌ها و سازمانهای جویای قدرت و نفوذ در جامعه است.

«علم سیاست: پیشنهاد کننده سیاست»: هدف نهایی همه بررسیهای علم سیاست این است که پدیده‌های سیاسی را با این نظر بشناسد که به تصمیمات عملی درباره سیاستی که باید اتخاذ شود بینجامد. در این مورد سیاست شناس روشهای تجربی، تاریخی و قیاسی را ترکیب می‌کند. گرایش کلی این روش ترکیبی آن است که راستای احتمالی جریان تحول را کشف کند و روندهای موجود سیاسی از لحاظ هدفهایی که می‌خواهند به آنها دست یابند بررسی شوند. پیشنهادها و طرحها برای اصلاح ساختار و روندهای سیاسی موجود، بخش پذیرفته شده ی علم سیاست است.

از یک چشم انداز کلی می‌توان علم سیاست را به دو حوزه‌ی اصلی تقسیم کرد: یکی علم سیاست نظری یا طبیعی و دوم علم سیاست عملی یا تأسیسی، علم سیاست نظری یا طبیعی مجموعه‌ی مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و انسان‌شناسانه درباره‌ی رفتارهای طبیعی انسان در حوزه‌ی سیاست، انگیزه‌های رفتار سیاسی، شیوه‌ی شکل‌گیری انواع سلسله‌های طبیعی از جمله غلبه اقوام بر یکدیگر، سلطه جباران و خودکامگان بر اتباع منفعل، غلبه گروه‌های مسلط اقتصادی قومی، نژادی و غیره بر سایر گروه‌ها، سلطه‌ی دولت‌های قوی‌تر بر دولت‌های ضعیف‌تر، و وجه دیگری از سلطه است که در طبیعت جامعه و سیاست ممکن باشد. اما علم سیاست عملی یا تأسیس همان مطالعات کلی و تاریخی درباره‌ی هر نوع نظام سیاسی طبیعی و رفتار سلطه‌جویانه نیست بلکه دانش

دقیق‌تری درباره‌ی چگونگی ایجاد ثبات سیاسی تنظیم روابط بین دولت و شهروندان، حدود اختیارات و حقوق و تکالیف آنها چگونگی تبدیل خواست‌های عمومی به سیاست‌های عمومی، چگونگی ایجاد ائتلاف سیاسی پایدار شیوه‌ی ایفای مهم‌ترین کار ویژه‌های حکومتی در بهترین شیوه‌ی اداره‌ی امور عمومی و نظیر این‌ها است

به طور کلی علم سیاست را باید به ۲ مفهوم خرد و کلان بکار برد: علم سیاست به مفهوم خرد با نظام سیاسی یا حکومت و نهادهای حکومتی و سیاستها و اعمال آنها و شیوه‌ی اعمال قدرت و اداره امور جامعه سر و کار دارد. در حالیکه علم سیاست به مفهوم کلان با زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای حکومتی زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، قدرت به معنای کلی و اجتماعی آن، تکوین، استمرار و زوال حکومتها، رفتار سیاسی فردی و جمعی نهادهای سیاسی غیر دولتی مانند سازمانها و گروههای دینفوذ، روابط میان دولتها، اندیشه‌ها و فلسفه‌های سیاسی (با تأکید بر اندیشه‌های آزادی، عدالت و برابری)، رابطه نیروهای اجتماعی یا جامعه مدنی با زندگی سیاسی، فرهنگ سیاسی، رفتار توده‌ای، تاریخ سیاسی دیپلماسی و اقتصاد سیاسی ملی و بین‌المللی سرو کار دارد. اگوست کنت بنیان‌گذار علوم اجتماعی جدید، علوم را براساس دو محور طبقه‌بندی می‌کرد: یکی کلیت و دیگری ترکیب. مثلاً ریاضیات کلیت کامل دارد، در حالی که جامعه‌شناسی علمی مرکب و مبتنی بر شناخت علل و عوامل گوناگون است. کوشش‌هایی برای علمی کردن سیاست در آثار نویسندگان قدیم از ارسطو تا ماکیاوول و هابز مشاهده می‌شود. اما علمی کردن سیاست به شیوه‌ی دانش‌های طبیعی تنها در قرن ۱۹ و ۲۰ به اوج خود رسید (سابقه کوشش برای تاسیس علم سیاست به مکتب اثبات‌گرایی کنت در قرن ۱۹ باز می‌گردد. اثبات‌گرایی شورشی بر ضد نگرش‌های متافیزیکی، مذهبی و اخلاقی در علم بود و احکام فلسفی و اخلاقی را مهم‌ل می‌دانست اثبات‌گرایان به وحدت کل علوم و وحدت روش‌های علمی اعتقاد داشتند. بعضی متفکران مانند اگوست کنت (مکتب اثبات‌گرایی) پدر جامعه‌شناسی مخالف علمی بودن سیاست‌اند و به نظر آن اعتبار احکام علمی براساس شواهد عینی قابل اثبات است و به علت فقدان ابزار دقیق اندازه‌گیری، تعصب در تعیین نتایج بسیار افزایش می‌یابد و احتمال افزایش خطا در سیاست به عنوان یک علم بالاست. بنابراین در ماهیت علمی مطالعات سیاسی تردید بسیاری وجود دارد. اما با ظهور مکتب شیکاگو در امریکا علم سیاست به مفهوم جدید گسترش داده شد و بحث تجربی از قدرت و شیوه‌های کاربرد آن رفتار گروهی و دسته‌جمعی، عوامل تعیین‌کننده رفتار سیاسی و غیره به عنوان بحث اصلی در آن علم تلقی شد. پس از جنگ جهانی دوم گرایشهای علمی و تجربی گوناگونی در دانش سیاسی ظاهر شدند که از مهمترین آنها نگرش سیستم‌ها، نگرش کارکردی و نگرش کنش عقلانی بوده‌اند.

خلاصه فصل

با پیدایش دموکراسی نو و ناسیونالیسم انحصار علم سیاست از دست شهریاران، فیلسوفان، و سیاستمداران خارج شده و به عرصه‌ای همگانی تبدیل می‌شود. واژه «سیاست» از واژه یونانی «پولیس» به معنای «شهر» برگرفته است. سیاست با علم سیاست متفاوت است. علم سیاست جنبه‌های نظری و عملی سیاست را در برمی‌گیرد. مرکز ثقل تحلیل و بررسی علم سیاست: دولت، حکومت و قدرت است. موضوعات مهم مورد مطالعه علم سیاست عبارت‌اند از: نظریه سیاسی، حکومت، احزاب، گروه‌ها و افکار عمومی، روابط بین‌الملل. سابقه کوشش برای تأسیس علم سیاست به مکتب اثبات‌گرایی اگوست کنت در قرن ۱۹ بر می‌گردد. اگوست کنت در کتاب علم سیاست اثباتی خود استدلال کرد که علم سیاست در مقایسه با علم فیزیک، فیزیک اجتماعی است و به همان شیوه علم فیزیک با پدیده‌های دینامیک و ایستا در سطح جامعه سر و کار دارد. هدف اصلی آموزش علم سیاست، دادن آگاهی سیاسی به مردم یک جامعه آزاد است که سبب بقای جامعه مطلوبشان می‌گردد. اگر چنین آگاهی و مسؤلیتی وجود نداشته باشد جامعه فرو می‌پاشد. علم سیاست می‌کوشد این گونه آگاهیها را بوجود آورد.

📖 نکات کلیدی و اصطلاحات مهم

- از زمان‌های دور علم سیاست را ارباب علوم می‌دانستند. علم سیاست به شناخت سیاست می‌پردازد. «کاتلین و یلینک» معتقد به مبهم بودن واژه سیاست‌اند. «سیاست در معنی یونانی، علم حکومت بر شهر بود» «سی لی» سیاست را «علم شهرها» نامیده است.
- یدیدایسترن: سیاست به توزیع آمرانه ارزشها برای جامعه مربوط است. علم سیاست با رشد فزاینده آگاهیهای سیاسی افراد جامعه به شکل‌گیری دموکراسی کمک چشمگیری می‌کند.

تست های تالیفی

۱- هدف نهایی از آموزش دانش سیاسی در سطح عمومی چیست؟

- (۱) پرورش شهروندان برای زندگی مدنی و سیاسی
- (۲) آموزش سیاستمداران در انجام کار ویژه‌های خود به بهترین شیوهی ممکن
- (۳) تبدیل اکثریت به مستبدان حاکم بر اقلیت
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۲.

۲- تأثیر اگوست کنت بر علم سیاست چه بود؟

- (۱) خارج کردن علم سیاست از حیطه علوم طبیعی
- (۲) علمی کردن سیاست به شیوه دانشگاهی طبیعی
- (۳) جدا کردن عین و ذهن در علوم اجتماعی و سیاسی
- (۴) قطعیت در علمی بودن مطالعات سیاسی

۳- تعریف «سیاست به معنای توزیع آمرانه ارزشها» مختص به کدام متفکر زیر است؟

- (۱) هارولد لاسکی
- (۲) آستین رانی
- (۳) دیویدا یستون
- (۴) نولی

۴- انتزاعی‌ترین مفهوم سیاست کدام است؟

- (۱) سیاست حکومت کردن بر انسانهاست
- (۲) سیاست توزیع آمرانه ارزشهاست.
- (۳) سیاست مبارزه برای قدرت است
- (۴) سیاست هنر استفاده از امکانات است.

۵- سابقه کوشش برای تأسیس علم سیاست به کدام مکتب و به چه قرن می‌گردد؟

- (۱) مکتب شیکاگو در آمریکا، قرن نوزدهم
- (۲) مکتب اثبات‌گرایی اگوست کنت در قرن بیستم
- (۳) مکتب شیکاگو در آمریکا، قرن بیستم
- (۴) مکتب اثبات‌گرایی اگوست کنت، قرن نوزدهم

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح می‌باشد؟

- (۱) علم سیاست تنها علمی اثباتی است که به گرد آوری واقعیات می‌پردازد و بصورت رابطه علی آنها را منظم می‌کند.
- (۲) علم سیاست علمی هنجاری است که تنها به مطالعه دگرگونیهای سیاسی برای رسیدن به هدفهای مشخصی می‌پردازد.
- (۳) در علوم اجتماعی و سیاسی بر خلاف علوم طبیعی جدایی کامل میان ذهن و عین وجود دارد و میان آن دو تداخلی وجود ندارد.
- (۴) علم سیاست علمی هنجاری است که فقط به بررسی آنچه هست نمی‌پردازد بلکه به مطالعه دگرگونیهای سیاسی برای رسیدن به هدفهایی مشخص نیز می‌پردازد.

۷- مرکز ثقل تحلیل و بررسی علم سیاست کدام است؟

- (۱) دولت
- (۲) حکومت
- (۳) مرکز ثقلی در علم سیاست وجود ندارد و همه چیز جنبه‌ی محوری دارد.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۲

۸- کدام یک از گرایش‌ها و نگرش‌های زیر پس از جنگ جهانی دوم از گرایش‌ات تجربی و علمی در دانش سیاسی تأثیر پذیرفتند؟

(۱) نظریه تصمیم‌گیری (۲) نظریه گروه‌ها (۳) نگرش سیستم‌ها (۴) نظریه ائتلاف

پاسخ تست‌های تالیفی

۱- گزینه «۴»

۲- گزینه «۱»

۳- گزینه «۳»

۴- گزینه «۲»

۵- گزینه «۴»

۶- گزینه «۴»

۷- گزینه «۴»

۸- گزینه «۳»

فصل دوم

روش های علم سیاست

عناوین اصلی:

- روش تاریخی
- روش مشاهده
- روش تجربی
- روش تطبیقی یا مقایسه‌ای
- روش فلسفی
- خلاصه فصل

فصل دوم

روش های علم سیاست

از مدتها پیش متفکران سیاسی به مسئله روش شناسی مطالعات توجه کرده بودند. افلاطون، ارسطو، ماکیاولی، بدن، ویکو، منتسکیو و دیگران هریک رهیافتهای روشهای مشخص خود را داشتند. پس از رشد و تحول مطالعات سیاسی به عنوان رشته علمی مستقل، مسئله روش شناسی مورد توجه جدی قرار گرفت

مونتسکیو پالمر و همکارانش کاربرد روش علمی در مطالعات سیاسی را مانند دیگر مطالعات ضروری دانستند و برای این روش، رعایت نکته‌های زیر را توصیه کرده‌اند که باید هر روش علمی آن‌ها را داشته باشد. ۱- تعریف دقیق دانش واژه‌ها و مفاهیم اصلی، ۲- پژوهش در قالب فرضیه‌های قابل آزمون تجربی، ۳- قابلیت تکرار پژوهش، ۴- دوری پژوهش از تعصبات برآمده از روش‌های شخصی پژوهشگر. اگرچه واژه «روش» خود دور از ابهام نیست اما می‌توان آن را عبارت دانست از «کارکردهای عقلایی و منطقی ذهن در راه جستجوی دانش از واقعیت. گاهی روش در معنای فنی برای گردآوری داده‌ها نیز بکار برده می‌شود رهیافت تاریخی افق فکری را گسترش می‌دهد، نگرش را اصلاح می‌کند ایستاری نسبت به رخدادها به وجود می‌آورد. به عقیده‌ی ارسطو و مارکس برای شناخت هر چیزی باید مرحله‌ی آغازین و تحول رشد آن را دید (مارکس روابط متقابل و درونی را هم اضافه می‌کند). (باید در کاربرد روش تاریخی بسیار محتاط بود، زیرا ممکن است به خوش‌بینی فکری بینجامد که آن چه در حال وقوع است یا به طور مستمر ادامه دارد، شایسته‌ترین است؛ همچنین ممکن است به معنای محیط کلی حاکم بر پیگیری بررسی و تحقیق هم باشد. در اغلب موارد روش دیدگاه محقق یا بررسی کننده را نمایان می‌کند. روشهای پذیرفته شده یا بکار رفته در علم سیاست عبارتند از: روش تاریخی، روش مشاهده، روش تجربی، روش تطبیقی یا مقایسه‌ای، روش فلسفی هریک را به کوتاهی بررسی خواهیم کرد:

۱- روش تاریخی

ریشه بسیاری از حوادث امروزی در گذشته است. از این رو بررسی علمی پدیده‌ها و نهادهای سیاسی، رهیافت تاریخی را ضروری می‌کند. ارزش چنین رهیافتی در این است که نه تنها گذشته را توضیح می‌دهد و ما را قادر می‌کند نتایج قابل اعتمادی بدست آوریم بلکه اصولی اساسی برای تفسیر آینده را نیز فراهم می‌آورد. از جمله پیشگامان روش تاریخی می‌توان از ساونی، مونتسکیو، با تیس‌تاویکو، هنری مابین و جان سی‌لی و فریمن نام برد. تکامل گرایان معتقدند که تکامل بشر راه یگانه‌ای دارد و همه از

یک مسیر تاریخی عبور خواهند کرد.

۲- روش مشاهده

این روش عبارت است از مشاهده دقیق پدیده‌های مورد بررسی. «لارنس لاول» تأکید زیادی بر مشاهده علم سیاست دارد و به نظر او می‌توان از این طریق به تحلیل نهادهای سیاسی و رخدادهای سیاسی پرداخت. اما این روش سختی‌های زیادی دارد زیرا همه آنچه مشاهده می‌شود گویای واقعیت نیست. از طرفی مشاهده‌گر به سختی می‌تواند بی طرف باشد زیرا تجربه‌های شخصی او بر ذهنش اثر گذاشته و او با آن ذهنیت واقعی پیش روی خود را می‌نگرد و مشاهده می‌کند. دشواری دیگری نیز وجود دارد؛ مشاهده‌گر سیاسی ممکن است وسوسه شود که همانند سازیهایی ساختگی و تعمیم‌های گسترده‌ای به عمل آورد که بر واقعیت مبتنی نباشد. گذشته از آن مشاهده‌گر ممکن است علت‌های خاص یا تصادفی را با علت‌های عام یا واقعی اشتباه کند. تنها مشاهده‌گری با توانایی زیاد، دیده سنجیده و داوری آگاهانه می‌تواند به نتایج به واقع درست و با اعتبار دست یابد.

روش مشاهده دارای دشواری‌های زیادی است سی لی با تشخیص این دشواری‌ها نظر داد که شناخت درست واقعیت‌ها در علم سیاست پرزحمت‌تر از علوم دیگر است. لاسکی تا آنجا پیش رفت که گفت حتی کسانی که روندهای سیاسی را از نزدیک مشاهده می‌کنند ممکن است در داوری خود خطا کنند، زیرا روندهای سیاسی «بسیار شبه کوه یخ شناور است؛ آنچه در روی آب دیده می‌شود فقط بخش کوچکی از واقعیت بزرگ زیدین است».

۳- روش تجربی

بعضی متفکران مانند میل، لاول و وگان معتقدند که روش تجربی در پدیده‌های اجتماعی قابل اجرا نیست. با انسان نمی‌توان مانند مواد شیمیایی برخورد کرد و او را از محیطش جدا ساخت. در پدیده‌های سیاسی عواملی مانند افکار و عقاید و انگیزه‌ها و احساسات انسانی تأثیر دارند که بررسی تجربی و عینی آنها به آسانی ممکن نیست و گاه اصلاً امکان ندارد. علم سیاست توان تجربی بودن دارد اما نه در معنی تجربه‌ها و آزمایشهای مهار شده آزمایشگاهی، بلکه در این معنی محدود که داده درست و نادرست از مشاهده مستقیم از تجربه شخصی و از تاریخ معاصر بدست می‌آید.

۴- روش تطبیقی یا مقایسه‌ای

این روش در برگیرنده تعمیم از راه مقایسه است. این روش را هم می‌توان برای بررسی نهادها و اندیشه‌های سیاسی یک کشور در دوره‌های گوناگون تاریخی بکار برد و هم برای مطالعه پدیده‌های سیاسی کشورهای مختلف. در هر دو مورد توجه به همانندیها و تفاوت‌هایی که در کشورهای مقایسه شونده وجود دارد، مدنظر قرار می‌گیرد. این روش را در یونان باستان افلاطون به کاربرد (اما نه از جنبه‌ی تکاملی) و در زمان‌های جدید اگوست کنت، هربرت اسپنسر و دیگران آن را به کار بردند. اگرچه رهیافت مارکسیتی به جامعه نیز تکاملی است، اما تمثیل‌ها در آن جایی ندارد. جنبه خاصی از روش مقایسه‌ای روش تمثیلی است که دولت را به عنوان مجموعه‌ای زنده یا ارگانیسم در نظر می‌گیرد

که البته این روش رهیافتی غیرعلمی است و سبب سردرگمی در بحث از پدیده‌های سیاسی می‌شود.

۵- روش فلسفی

همه روش‌هایی که تاکنون گفته شد استقرایی‌اند اما روش فلسفی قیاسی است. این روش اصول مسلم معینی را در نظر می‌گیرد، باروند استدلال پیش می‌رود و می‌کوشد نظریه‌ای در باب دولت و حکومت بدست دهد. افلاطون، توماس مور، روسو، هگل و گرین و بوسانکه برخی از متفکران برجسته این روش هستند. البته این روش آمیخته با تخیل است و در بعضی موارد واقع گرا نیست و در بررسی علمی پدیده‌های سیاسی، تفکر فرا طبیعی همیشه کمک کننده نیست و این یکی از انتقاداتی است که به این روش شده است. اما در نگاه به مسایل چند بعدی، علم سیاست ناگزیر از داشتن چنین رهیافتی است. بنابراین باید سعی شود که روش فلسفه مشخصی را در نظر گرفت تا به کمک آن به بررسی هنجارها و اصولی پرداخت که می‌توانند واقعیات سیاسی را ارزیابی کنند. پدیده‌های سیاسی را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کرده‌اند: حقوقی و تأسیس، روانشناختی، هنجاری و تجربی - علمی و اقتصادی که هر کدام از این رهیافته‌ها را به کوتاهی بررسی می‌کنیم:

الف) رهیافت حقوقی

عبارتند از تفسیر پدیده‌های سیاسی از لحاظ حقوقی. در این رهیافت دولت مانند شخصی حقوقی یا مجمعی برای تدوین و اجرای قانون است. این رهیافت به قانونگرایی و شکل‌گرایی توجه دارد و موقعیت و اهمیت نیروهای اجتماعی گوناگون غیرحقوقی را کمتر از حد برآورد می‌نماید. حقوقدانها نه تنها مفاهیم شخصیت حقوقی دولت و نظریه حاکمیت را رواج داده‌اند بلکه در بررسی‌های حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق بین‌الملل شرکت ارزنده‌ای داشته‌اند.

ارسطو معتقد بود در تثبیت شکل حکومت، ویژگی و توزیع ثروت عامل تعیین کننده‌ای است. شغل‌های مردم برایستار سیاسی و توانایی آن‌ها اثر می‌گذارد و انقلاب‌ها به طور معمول رویارویی‌های توانگران و تهی‌دستان است. جیمز هارینگتون در کتاب خود به نام اقیانوس (۱۶۵۶) نظر داد که قدرت به طور طبیعی و به ضرورت در پی ثروت می‌آید.

ب) رهیافت اقتصادی

از زمان ارسطو مطرح بوده است. او به ویژگی‌های اقتصادی در تثبیت شکل حکومت توجه داشت. دال می‌نویسد: توزیع قدرت و توزیع ثروت برابر است. این رهیافت توسط مارکس بصورت ابزار نیرومند تحلیل و فلسفه عمل درآمد. در هیافتهای مارکسیستی هر شیوه تولیدی نظام مناسبات تولید ویژه خود دارد. شرایط مادی زندگی و بویژه شیوه تولید، نیروی محرکه تاریخ جوامع بشری است. مبارزه طبقاتی پویایی تاریخ را همراه با تغییرات شیوه تولیدی ایجاد می‌کند. وابستگی پدیده‌های سیاسی به نظام‌های تولیدی از این قرار است: نیروهای تولیدی و نحوه مالکیت - طبقات اجتماعی - مبارزه طبقات - تضادهای سیاسی. در نتیجه تعارضات منافع اقتصادی، نهادها پدیدار، اصلاح و برانداخته می‌شوند. مارکسیست‌ها بین «انواع دولت» و «شکل‌های دولت» تفاوت قائل‌اند. به عقیده آنها انواع دولت با نظام طبقاتی معینی انطباق دارد. دولت ۴ نوع است: دولت برده‌داری، فئودالی، بورژوازی و سوسیالیستی در

درون هریک از آنها چندین شکل دولت یعنی رژیمهای سیاسی وجود دارند. به عقیده لنین اگر کسی می‌خواهد قربانی فریب و خودفریبی در سیاست نشود باید یاد بگیرد منافع برخی طبقات را در آن سوی عبارات، اعلامیه‌ها و قول‌های اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی دریابد. باید بداند که هرنهادی را «نیروهای طبقات حاکم حفظ کرده است». بنابراین این تنها راه غلبه بر مقاومت این طبقات «از بین بردن طبقات قدیمی و ایجاد طبقه‌ی جدید از راه انقلاب اجتماعی موفق است».

پ) رهیافت روانشناختی

متفکران این رهیافت معتقدند که بررسی واقعیتهای اساسی مربوط به طبیعت و رفتار بشر امکان‌پذیر است و می‌توان نظریه سیاسی جدیدی بر پایه بنیادهای استوار روانشناختی بوجود آورد. بنیاد مطالعات روانشناختی را «لاول» گذاشت و پیشرفت آن را «لاسول» سبب شد. البته این رهیافت چون به جنبه‌های ضد فکری یا غیرعقلی طبیعت بشر یا احساسات بیش از حد توجه دارد نمی‌تواند در پدیده‌های سیاسی مبتنی بر واقعیت رخنه کرده و در واقع شالوده گرایش به عقل و خردمندی را تهی می‌کند. بنابراین از ارائه نظریه‌ای سازنده از خود ناتوان است.

بزرگترین محدودیت آن، این است که «نتایج آن صرفاً تقلیلی و ایستا است. افزون بر آن استفاده از این رهیافت به (وضعیت‌های اجتماعی دارای ویژگی به نسبت ساده و ایستا) محدود است و در توضیح روندهای پویای سیاسی و حالت‌های پیچیده چندان فایده‌ای ندارد.

ت) رهیافت هنجاری

رهیافتهای سنتی به علم سیاست، حقوقی - تاریخی یا هنجاری - فلسفی بود. این رهیافت در برابر واقعیات بر ارزشها تأکید می‌کند که به متفکران و نظریه پردازان فرا تجربه گرایان شهرت یافته‌اند و معتقدند روش علمی می‌تواند هم واقعیات و هم ارزشها را به طور رضایت بخشی بررسی کند. اندیشمندانی چون هگلین، اشتراوس، جان دوی و کافمن در زمره این دانشورانند که معتقدند که در تحلیل نهایی هرگونه قضاوت علمی همیشه قضاوتی اخلاقی است و مفهوم علم باید آنچنان گسترده‌تردی یابد که داورهایی ارزشی را در برگیرد.

ث) رهیافت تجربی - علمی

در روش علمی باید میان ذهن و عین، واقعیت و ارزش تمایز قایل شویم. البته محدود کردن علم سیاست به ارزش صرف یا واقعیت صرف امکان‌پذیر نیست و بنابر نظر بر تران دو ژوونال صرف «واقعیت» هرگز دانش بوجود نمی‌آورد. بی‌طرف کردن علوم اجتماعی خیال بیهوده‌ای است و پژوهش اندیشه‌ای بدون شکل یا محتواست و باید ارزشهای خاص به آن افزوده شود. بنابراین آنچه پژوهشگر می‌تواند انجام دهد این است که ساختار ارزشی خود را آشکار اعلام نماید.

ج) رهیافت رفتاری

این رهیافت پس از جنگ جهانی دوم اهمیت دو چندان می‌یابد و جانبداران اصلی آن سیاست شناسان